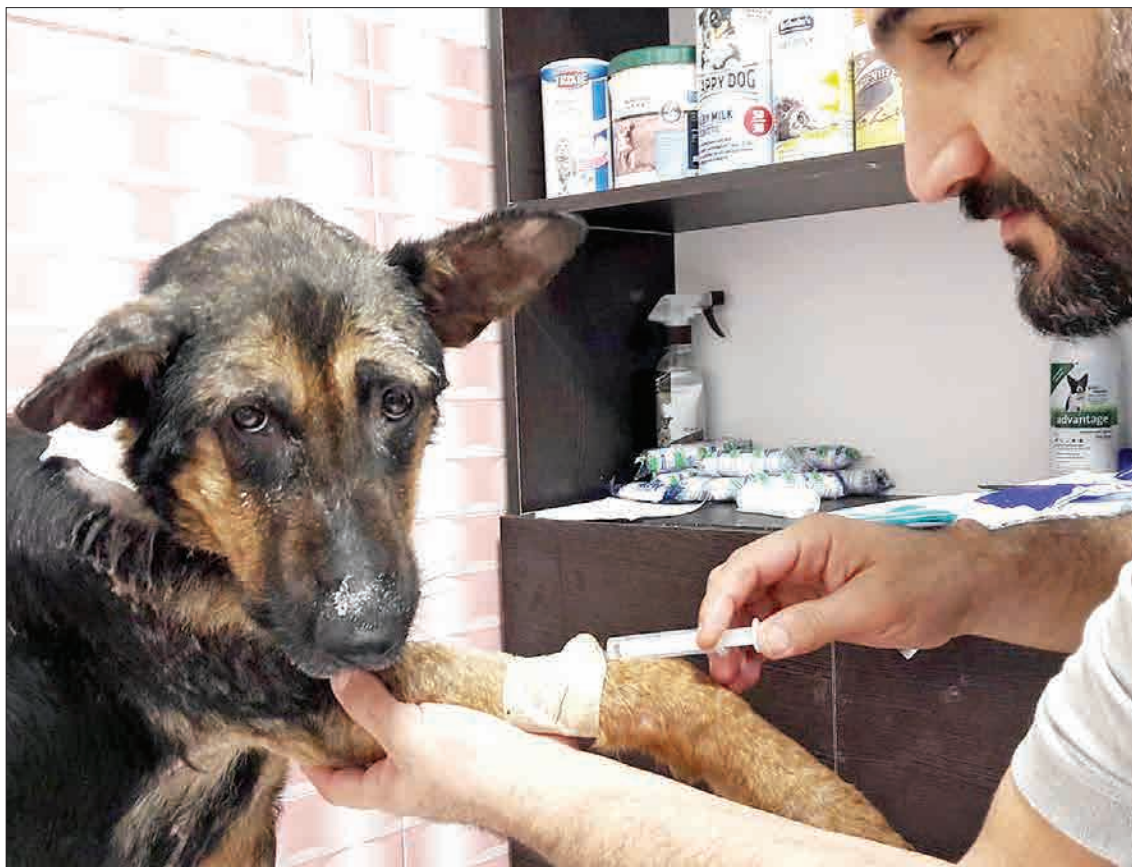


حسین محمدی، «موسس شفاخانه سزار» از کمک‌رسانی به گربه‌ها، سگ‌ها و اسب‌های بیمار و تاسیس دهکده‌ای برای حیوانات می‌گوید

مردی که حیوان‌آزارها را تحویل قانون می‌دهد

حمایت از حیوانات ظاهر فقط مد شده اما دار دبه بیراهه کشیده می‌شود

اولین بار یک فیلم حیوان‌آزاری در آستارا بود که از طریق من و دوستانم در فضای مجازی منتشر و با کمک نیروی انتظامی منجر به دستگیری عوامل شد



هم در زمینه فرهنگ‌سازی رفتار با حیوانات انجام نمی‌دهند؛ اما خودشان را سفیر مهربانی و حامی حیوانات معرفی می‌کنند تا فالوورهای اینستاگرام‌شان بالا برود؛ یا مثلا طرف دستش به دهانش می‌رسد ولی تا یک سگ و گربه می‌ریخت در خیابان پیدا می‌کند در پیچ شخصی‌اش عکس را منتشر می‌کند تا بگوید حامی حیوانات است و از مردم برای درمانش کمک می‌گیرد! یک گروه دیگر هستند که خودشان می‌روند دست و پای حیوان را می‌شکنند و بعد دوباره عکس منتشر می‌کنند تا به نام حامی حیوانات جلب توجه کنند. آخرین موردی که از امثال حامی حیوانات دیدم در کرج بود که به دامپزشک گفته بودند اگر خرج عمل ۳ میلیون تومان است، تو بگو ۵ میلیون تا بقیه‌اش را در جیب خودمان بگذاریم! بنابراین این مسائل را که دیدم، حس کردم حمایت از حیوانات ظاهرا فقط مد شده اما دارد به بیراهه کشیده می‌شود؛ بنابراین الان معتقدم من دوستدار حیوانات هستم و هر کاری که انجام می‌دهم با همه وجودم است نه حمایت‌های منفعت‌طلبانه.

● آقای محمدی راستش الان در زبان محاوره واژه حامی حیوانات نسبت به دوستدار حیوانات، بیشتر جا افتاده است؛ اما با تفسیر شما از این واژه‌ها من هم سعی می‌کنم در طول مصاحبه‌مان جلوی خودم را بگیرم تا از واژه حامی استفاده نکنم. با این توضیح از ماجرای خودتان بگویید. شما چه فعالیتی در زمینه حیوانات انجام می‌دهید؟

من ۱۲ سال پیش ازدواج کردم و به واسطه همسرم با حوزه نگهداری و نجات حیوانات شهری آسیب‌دیده و بی‌پناه آشنا شدم. آن زمان خانواده همسرم از گربه‌های بیمار در خانه‌شان نگهداری می‌کردند و همین موضوع باعث تغییر فکری من در زمینه حیوانات شد. بعدش شروع کردم به دنبال کردن ماجرا و ویدیوهای با مضمون کمک به حیوانات

بیمار و آزاردیده را در اینترنت می‌دیدم و همین شد که متأثر شدم و تحت تأثیر قرار گرفتم. بنابراین الان ۱۰ سال است که به گربه‌ها و سگ‌هایی که بیمار و سرگردان و تجهیزاتش هستند، کمک می‌کنیم تا به زندگی عادی‌شان برگردند. ● مشخصا چه کمکی می‌کنید؟ یعنی حیوانات را می‌برید و در خانه‌تان از آنها نگهداری می‌کنید؟

اوایل چند گربه و سگ مریض را به خانه‌مان بردیم اما فضای این کار خیلی برای ما نابسود و همسایه‌ها به این موضوع اعتراض می‌کردند. اما از آن‌جا که وقتی نیت انسان کمک کردن به یک موجود زنده باشد، کم‌کم فضای کار هم برای او ایجاد می‌شود؛ بنابراین بعد از مدتی با مشقت زیاد و کمک عده‌ای از مردم که کار و نیت ما را دیده بودند، توانستیم محل مخصوصی برای نگهداری از آنها خارج از شهر پیدا کنیم. بعد هم اسم این محل‌ها را شفاخانه گذاشتیم تا منظور از فعالیت ما به حیوانات مشخص باشد. در طول این سال‌ها هم چندین شفاخانه تأسیس کردیم که آخرین

پناه مقدسی | فیلم جنجالی سگ‌آزاری در آبادان را دیده‌اید؟ همان کلیپی که چند هفته پیش در فضای مجازی منتشر شد که پرسی جوان در داخل خودرو سگ سفیدرنگی را اسیر دست‌ان قلمچاقش کرده بود و محکم بر سرش ضربه می‌زد! بله تصاویر دردناکی بود، سگی بی‌پناه آن قدر بر سرش کوبیده شد که چشمانش سیاهی رفت و حیوان‌آزار این نمایش عجیب، خنده‌پیروزمندانه‌ای تحویل لنز دوربین داد و

همان زمان که این ویدیو در شبکه‌های مجازی پخش شد، کاربران اینستاگرام به این رفتار خشن واکنش‌های زیادی نشان دادند و در همین حین عده‌ای از دوستداران حیوانات برای دستگیری حیوان‌آزار خودشان را به آبادان رساندند تا او را تحویل قانون دهند. «حسین محمدی» یکی از کسانی که ۱۰ سال است در زمینه نجات حیوانات آزاردیده یا آسیب‌دیده فعالیت می‌کند، یکی از کسانی بود که از گیلان راهی آبادان شد تا با طرح شکایت از مرد حیوان‌آزار در مسیر عبور تری به حیوان‌آزاران آینده دهد. همان زمان بود که با پیج آقای محمدی آشنا شدم و شخصیت و رفتار انسانی‌اش باعث شد فعالیت‌های او را در زمینه نجات حیوانات بی‌پناه دنبال کنم. او که خود را دوستدار حیوانات می‌داند، نه حامی آنها از فرهنگ حیوان‌آزاری، حواشی نجات حیوانات آسیب‌دیده و نگاه ویژه‌اش به موجودات زنده می‌گوید تا گفت‌وگویی خواندنی رقم بخورد.

● آقای محمدی ابتدای گفت‌وگو کمی از زندگی شخصی‌تان بگویید. این که متولد چه سالی هستید؟ شغل اصلی‌تان چیست و اصلا تحصیلات‌تان چه

از تریب با فعالیتی که در زمینه حیوانات انجام می‌دهید، دارد؟ من ۳۶ سال دارم. شغل آزاد دارم و تحصیلاتم هم هیچ ارتباط معناداری با دوستداری حیوانات ندارد؛ چرا که فوق دیپلم نرم‌افزار کامپیوتر هستم. ● شما از واژه «دوستدار» استفاده کردید، چیزی که در بیوگرافی اینستاگرام‌تان هم روی آن تأکید دارید و نوشته‌اید من دوستدار حیوانات هستم من خودم آنها.

راستش حدود یک سال است که اسم «حامی حیوانات» نفرت دارم! اصلا اگر یک نفر به من بگوید که تو حامی حیوانات هستی انگار به من می‌گوید تو زدی و کلاه برداری!

● چرا؟! حرفی با هم دارید؟ ببینید عده‌ای الان در تهران و کرج یک سگ یا گربه گرانتیمت و نژاددار برای خودشان خریدند و بعد هم اسم‌شان را گذاشته‌اند حامی حیوانات! اصلا این واژه انگار برای بعضی‌ها یک ترس شده مثل بعضی از سلب‌ریتی‌ها که کار

دهکده‌ای برای حیوانات

● بر گردیم سر موضوع شفاخانه حیوانات. شفاخانه البته واژه چالشی است. فکر می‌کنم برای مردم این نام بیشتر یادآور بیمارستان مختص به انسان‌ها باشد. اما شفاخانه شما مخصوص حیوانات بیمار است. تجهیزات و امکاناتی که در شفاخانه‌تان دارید چه چیزهایی است؟

ما کلینیک‌ها و اماکن مخصوص نگهداری حیوانات را در اینترنت جست‌وجو و براساس استانداردهایی که در کشورهای خارجی وجود دارد، این شفاخانه را طراحی کردیم. بنابراین اتاق‌های استاندارد مخصوص انواع حیوانات ساخته‌ایم و حتی سیستم تهویه و نوع وان‌های شست‌وشو حیوانات هم مطابق با استانداردهای این نوع مکان‌ها طراحی شد. در ضمن اغلب محل‌های نگهداری از حیوانات بیمار در کشور نام‌شان پانسیون و کلینیک است و معمولا هم حیواناتی در آنها نگهداری می‌شوند که صحنی دارند و آنها را به آن‌جا می‌برند. چند وقت پیش به تهران رفتم و از چند تا از این پانسیون‌ها بازدید کردم دیدم که اصلا مکان‌شان شبیه شفاخانه‌ای که من خودم درست کردم، نیست. مثلا حیوانات را در قفس‌های آهنی که روی هم چیده شده بود، نگهداری می‌کردند در صورتی که ما برای حیوانات‌مان اتاق‌طراحی کردیم.

● با این تفسیر، شما هزینه زیادی هم متحمل شده‌اید. راستش در دوره‌های گذشته که اکثریت مردم به فکر منبع درآمد و کاهش هزینه‌های‌شان هستند، باور این که یک نفر برای تأسیس شفاخانه‌ای برای حیوانات بی‌پناه و آسیب‌دیده سرمایه‌گذاری کند سخت به نظر می‌رسد. می‌خواهم بدانم این کار برای شما سود دارد یا حداقل در زمینه تأمین هزینه‌های‌تان از کسانی کمکی گیرید؟

اوایل خودم هزینه‌ها را پرداخت می‌کردم، اما الان مردم هم به ما کمک می‌کنند. انسان‌هایی هستند که دوست دارند در این زمینه کار خیر انجام دهند اما نه فرصت‌شان را دارند. امکاناتش را به‌همین دلیل برای هزینه‌های کمکی می‌کنند. ببینید من در طول این سال‌ها فهمیدم که وقتی برای یک کار خیر اقدام می‌کنی، قانون طبیعت اینست که هر چه بیشتر انجام دهی، دست و پا ندارند بیشتر پیش‌قدمان می‌مانند. اما به‌رحال به این دلیل که فعلا مکان ما ظرفیت مشخصی دارد و بالطبع نمی‌توانیم هر حیوانی را بیاوریم و وقتی که بهبود پیدا کرد باز هم نگاهش داریم، بنابراین طبیعتا باید جای این حیوان را با یک حیوان بیمار عوض کنیم. در این شرایط حیوانات بهبودیافته گاهی به عده‌ای از مردم که به

آنها را در زمینی که خودمان از قدیم داشتیم، راه‌اندازی کردیم و نامش را شفاخانه سزار گیلان گذاشته‌ایم.

● خودتان حیوانات بیمار را درمان می‌کنید یا از دامپزشک استفاده می‌کنید؟

ببینید هر چند در طول این سال‌ها تجربه‌های زیادی برای درمان حیوانات پیدا کرده‌ام اما دامپزشک استفاده می‌کنیم.

● به چه نوع حیواناتی بیشتر کمک می‌کنید؟ هدف ما حیوانات شهری است. اولویت‌های اول ما گربه و سگ است؛ اما اگر امکان و تجهیزاتش را داشته باشیم، به اسب‌های بیمار یا آنهایی که بر اثر تصادف دست و پای‌شان می‌شکند هم کمک می‌کنیم.

● سگ‌ها و گربه‌های بیمار و مریض و نیازمند کمک و درمان را از کجا پیدا می‌کنید؟ وقتی در یک خط و خیال می‌افتی، ناخودآگاه در راستای فکرتان چشم‌تان هم همان چیزها را در اطرافش دنبال می‌کنید؛ مثلا یک صاحب کبابی تا گاو و گوسفند می‌بیند یاد گوشت و کباب می‌افتد یا یک نمایشگاه‌دار ماشین در خیابان چشمش به دنبال مدل ماشین‌ها و قیمت‌شان است. من هم وقتی با ماشین در خیابان می‌چرخم ناخودآگاه چشمم حیوانات شهری بی‌پناه، گرسنه یا آسیب‌دیده را دنبال می‌کند و پیدایشان می‌کنم. از طرف دیگر الان فضای مجازی هم به کمک ما آمده و از این طریق هم برخی از حیوانات را شناسایی می‌کنیم و اگر بتوانیم آنها را می‌گیریم و به شفاخانه می‌آوریم تا درمان شوند.

● الان ۱۰ سال است که به گربه‌ها و سگ‌هایی که بیمار و سرگردان و آسیب‌دیده هستند کمک می‌کنیم تا به زندگی عادی‌شان برگردند.

● بعد از مدتی با مشقت زیاد و کمک عده‌ای از مردم توانستیم محل مخصوصی برای نگهداری از حیوانات پیدا کنیم و اسم این محل را «شفاخانه» گذاشتیم تا منظور از فعالیت ما به حیوانات مشخص باشد.

● اولویت‌های اول ما گربه و سگ است اما اگر امکان و تجهیزاتی را داشته باشیم به اسب‌های بیمار یا آنهایی که بر اثر تصادف دست و پای‌شان می‌شکند هم کمک کرده‌ایم.

● ما حیوان‌آزاری میناب، دماوند و چند تایی هم در استان گیلان را داشتیم که آنها را رسانه‌ای کردیم و منجر به دستگیری عواملش شد.

● با کمک دادستانی آبادان و نیروی انتظامی ابتدا یک نفر از عوامل حیوان‌آزاری آبادان دستگیر شدند

● ما کلینیک‌ها و اماکن مخصوص نگهداری حیوانات را در اینترنت جست‌وجو کردیم و براساس استانداردهایی که در کشورهای خارجی وجود دارد، «شفاخانه» را طراحی کردیم

● من در طول این سال‌ها فهمیدم که وقتی برای یک کار خیر اقدام می‌کنی، قانون طبیعت تهایت نمی‌گذارد و خود به خود مشکلات هم حل می‌شود.

نه این‌که کاری که از دست‌شان برمی‌آید را انجام ندهند.

● بحثی که همیشه در حرف‌ها، کامنت‌ها و واکنش‌های مردم نسبت به کسانی که از سگ‌ها و گربه‌های بیمار نگهداری می‌کنند، مطرح می‌شود این است وقتی این همه انسان نیازمند، فقیر و کودک بی‌سرپناه در کشور است، چه دلیلی دارد یک عده پروند

و پول‌شان را صرف نجات حیوانات کنند! برای طرز فکر این افراد یک جواب ساده دارم. صد‌ها پرونده‌های بی‌پرسی، کمیته‌امداد، صندوق صدقات بیمارستان و جشن‌های نیکوکاری برای انسان‌ها در کشور وجود دارد، حالا اگر ۱۰ مکان هم برای کمک به حیوانات تأسیس شود یا یک نفر یک‌بار در عمرش به یک حیوان نیازمند هم کمک کند به کجا برمی‌خورد؟! بعد هم شما مطمئن باشید تمام کسانی که می‌گویند این همه انسان نیازمند وجود دارد چرا باید به یک حیوان کمک کنیم، نه به انسان کمک می‌کنند نه به هیچ موجود زنده دیگری! من معتقدم کسی که انسانیت داشته باشد هرگز برای کمک کردن به یک موجود زنده مثل حیوانات معترض نمی‌شود.



مهربانی، مهربانی است چه فرقی می‌کند به چه نوع موجود زنده‌ای می‌توانیم کمک کنیم؟! تا کجا می‌خواهید این کار و این راه را ادامه دهید؟

ما از چند سال پیش برنامه‌ریزی کرده بودیم که سال ۹۶ شفاخانه سزار گیلان را تأسیس کنیم که به هدفمان رسیدیم و سال گذشته این اتفاق افتاد. همان زمان تصمیم گرفتیم سال آینده یعنی سال ۹۷ که اتفاقا سال سگ‌هم است، دهکده‌ای مخصوص حیوانات تأسیس کنیم. دهکده‌ای که در آن انواع و اقسام حیوانات بدون هیچ آزاری از سوی انسان‌ها در کنار هم زندگی کنند. بنابراین الان تنها هدف من که اگر اتفاق بیفتد تا آخر عمر هم فعالیت می‌کنم، راه‌اندازی یک دهکده چند هکتاری خارج از شهر برای همه حیوانات شهری بی‌سرپناه است که البته استنارت کار را هم زده‌ایم و امیدوارم با کمک و حمایت مردم و مسئولان تا آخر امسال این مکان راه‌اندازی شود.

دستگیری سگ‌آزار جنجالی



● آقای محمدی بحث فضای مجازی پیش آمد. فضایی که هم روی شما تأثیر گذاشت و هم نوع فعالیت‌تان را به مردم معرفی کرد. به خصوص بعد از سگ‌آزاری آبادان که شما حتی به خاطرش تا آن‌جا هم رفتید تا مرد سگ‌آزار را تحویل قانون دهید و در کنارش هم آن سگ را پیدا کردید و برای مراقبت او را با خودتان به شفاخانه‌تان آوردید. این اولین بار بود که به حیوان‌آزارها واکنش نشان دادید؟

ببینید الان چند سالی است که فیلم‌های مختلفی از حیوان‌آزاری در فضای مجازی منتشر می‌شود. بنابراین این اولین باری نبود که به حیوان‌آزارها واکنش نشان دادم. اولین بار یک فیلم حیوان‌آزاری در آستارا بود که از طریق من و دوستانم در فضای مجازی منتشر شد تا عامل اصلی آن دستگیر شود. بنابراین نیروی انتظامی وقتی این واکنش‌های رسانه‌ای مردم را دید، وارد عمل شد و خیلی خوب هم دستگیرش کردند. بعد از آن ما حیوان‌آزاری میناب، دماوند و چند تایی هم در استان گیلان را داشتیم که آنها را رسانه‌ای کردیم و منجر به دستگیری عواملش شد.

● ظاهرا هفته گذشته حیوان‌آزار آبادان که متواری شده بود هم دستگیر شد.

بله، همان موقع که ما رفتیم آن‌جا دادستان آبادان هم با ما همکاری کرد و حکم جلبش صادر شد. اداره آگاهی وارد عمل شد اما فعلا یک نفر از آنها دستگیر شده و یک نفر دیگر متواری شده است؛ اما به هر حال این پرونده هنوز باز بود و چند روز پیش فرد متواری هم دستگیر شد.

● شما که سال‌ها با انواع و اقسام حیوان‌آزاری‌ها برخورد داشته‌اید و جنس این نوع رفتار عجیب را در انسان‌ها از نزدیک لمس کرده‌اید، فکر می‌کنید چرا این اتفاق می‌افتد؟ منظورم

این است اصلا چه اتفاقی در ذهن یا تربیت یک عده می‌افتد که حاضر می‌شوند یک موجود زنده را مورد آزار قرار دهند؟

ببینید حیوان‌آزار شدن نیاز به تربیت ندارد، بنابراین باید بگوییم عده‌ای که این کار را کرده یا می‌کنند اتفاقا تربیت نشده‌اند. اصلا حیوان‌آزاری در وجود عده‌ای از همان کودکی خودش را نشان می‌دهد، از همان زمانی که سگ زدن به پرندگان و کندن بال جوجه ماشینی و شلیک تفنگ بادی به گربه‌ها برای کودک تبدیل به بازی و لذت بردن از آن می‌شود. یا مثلا در برخی مناطق بچه‌ها از همان کودکی با شکار آشنا می‌شوند یا از کودکی جنگ گاو و خروس را می‌بینند و همین می‌شود که در ذهن عده‌ای می‌ماند و وقتی هم بزرگ می‌شوند انگار قبح ماجرا برایشان باقی‌مانده و همین عده هم ممکن است با شکارچی شوند یا حیوان‌آزار.